

تبیین مفهوم انگیزش جهت تحقق فضای حیات طیبه در نظام فطری معمار مسلمان

نسیم اشرافی^۱

چکیده

با توجه به آنکه در روابط کالبد معماری و تعامل آن‌ها با محیط، نظام عینی، کارکرد مناسبی دارد؛ در تعاملی که معمار و مخاطب با اثر معماری برقرار می‌کنند، نظام فطری او نقش مهمی ایفا می‌کند و از طرفی مفهوم انگیزش به عنوان معنای اصلی در ساختار این نظام می‌تواند معمار مسلمان را جهت خلق فضای حیات طیبه که از منظر قرآن سعادت دنیوی و اخروی انسان را رقم می‌زند؛ سوق دهد و از آنجاکه این حیات با تکیه بر ایمان و عمل صالح محقق می‌شود، پژوهش حاضر سعی دارد با روش تفسیر موضوعی، علت معرفتی (ایمان) و علت رفتاری (عمل صالح) معمار مسلمان را در چارچوب علل اربعه جهت ایجاد انگیزش نظام فطری او در خلق فضای حیات طیبه با تکیه بر مفاهیم قرآنی مورد بررسی قرار دهد و در این راستا اصول معماری و شهرسازی متناظر با این علل را در نظام فطری معرفی نماید.

واژگان کلیدی

انگیزش، نظام فطری، فضای حیات طیبه، علل اربعه

مقدمه ▸

تجزیه کردن و نگاه خرد که مشکل علوم مدرن است؛ نوعی آشفتگی را به وجود آورده است که امکان معرفت به پدیده‌ها و کسب حقیقت را مشکل نموده است و نگرش سیستمی یا نظام محور می‌تواند در نیل به اهداف مورد نظر تا حد زیادی مفید باشد، چراکه تفکر نظام محور یا سیستمی بر تغییر از نگرش مبتنی بر تفکیک علوم به حوزه‌های تخصصی و ریز، به نگرش مبتنی بر ترکیب یافته‌های رشته‌های گوناگون علمی تأکید دارد؛ اما این نگرش که محصول تفکر جدید غربی است، صرفاً به ترکیب اجزای عینی و نهایتاً زبانی و مفهومی تکیه دارد و شناخت‌های فطری انسان که ریشه در دین دارد، در این حوزه مغفول مانده است (فرشاد، ۱۳۹۱: ۲۵). مهم‌ترین نقد بر علوم انسانی غرب، نگاه معرفت‌شناسانه، انسان‌شناسانه و هستی‌شناسانه آن‌هاست. دانشمندان و نظریه‌پردازان غربی هر جا که به مبدأ و معاد، جهان و انسان، عقل سلیم و فطرت پاک انسانی نزدیک شدند - هرچند این نزدیکی نبوغی ناآگاهانه هم بوده باشد - توانستند نظریاتی واقع‌گراتر عرضه کنند؛ اما افسوس که در بسیاری مواقع، نگاه اندیشمندان غربی در بستر فرهنگ مادی غرب به غفلت گرایید و آنچه در نظریات انگیزشی مبتنی بر نیاز از آن‌ها سخن به میان آید، اغلب نیازهای مادی است و در جسم و کالبد بشری ریشه دارد و آنجا که سخن از فرایندهای ایجاد انگیزه سخن به میان آید، ناشی از عقل حسابگرانه و ابزاری بشری است و نیازهای فطری انسان در جهت ایجاد الگوی انگیزش مورد

غفلت واقع شده است (احمدنیا آلاشتی و دیگران ۱۳۹۲: ۱۲). بر این اساس پژوهش حاضر سعی دارد این قسمت مغفول مانده را مورد تبیین قرار دهد. عدم شناخت و درک صحیح انگیزش در نظام فطری معمار مسلمان می‌تواند مشکلات بسیاری برای معماران و نهادهای وابسته به شهرسازی فراهم آورد که مظاهر ناگوار آن را می‌توان در محیط‌های سازمانی مشاهده کرد؛ از قبیل بی‌هویت شدن فضای معماری و شهرسازی، اتلاف منابع شهری و نیروی انسانی، غفلت آوری برای شهروندان، عدم رعایت حقوق شهروندی و...؛ بنابراین نگرش سیستمی و نظام محوری به فطرت معمار مسلمان در حوزه معماری و شهرسازی نیز می‌تواند نظریه پردازان این حوزه را در رفع آسیب‌های فرهنگی و هویتی کمک کند چراکه تجزیه کردن و نگاه خرد، نوعی آشفتگی را به همراه آورده است که امکان معرفت به آثار و کسب حقیقت را مشکل نموده است و از طرفی توجه به سیستم‌های مادی - عینی که نگرش غربی بر آن استوار است، همواره سبب شده است که نقش فطرت انسان به عنوان بستر معرفتی او جهت تحقق کمال مدنظر قرآنی که همان حیات طیبه است؛ به فراموشی سپرده شود. به عبارتی نیاز فطری معمار مسلمان در او انگیزه‌ای ایجاد می‌کند که بتواند فضایی را خلق کند که با حیات طیبه انسانی سنخیت داشته باشد و از آنجاکه حیات طیبه یک الگو و پدیده است، باید به چهار سؤال پاسخگو باشد: ۱. اهداف و غایات الگو چیست؟ (علت غایی) ۲. افراد، نهادها و کارگزاران لازم برای رسیدن به الگو چیست؟ (علت فاعلی) ۳. منابع و مبانی لازم برای ساخت الگو چیست؟ (علت مادی) ۴. ابعاد و سطوح الگو چیست؟ (علت صوری) (لکزایی و سنقری ۱۳۹۴: ۸) که پاسخ به این سؤالات در انگیزش نظام فطری معمار مسلمان نقش مهمی دارد و لازمه رسیدن به حیات طیبه قرآنی، وقوع چهار علت است که «لازمه حصول معلول، این است که علت تامه ایجاد شود و اگر علت تامه ایجاد شد وجود معلول حتمی، بدیهی است و تخلف معلول از علت تامه غیرممکن است» (مظفر، ۱۳۷۴، ۳۷۱)؛ بنابراین لازم است علت‌های معرفتی و عملی جهت تحقق فضای حیات طیبه به عنوان الگویی برای انگیزش در نظام فطری معمار مسلمان مورد بررسی قرار گیرد.

▲ روش تحقیق

از آنجا که هدف از پژوهش حاضر بر مؤلفه‌های قرآنی و دینی استوار گردیده است؛ اما لازم است که ابتدا واژه نظام یا سیستم تعریف گردد و سپس تطبیق آن با مفهوم نظام در اسلام و به تبع آن نظام فطری اسلامی مطرح گردد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - استنباطی و از طرفی با تکیه بر روش تفسیر موضوعی سعی نموده است که علل اربعه تحقق فضای حیات طیبه را در جهت ایجاد انگیزش ساختار نظام فطری معمار مسلمان با استفاده از مؤلفه‌های قرآنی و دینی مورد بررسی قرار دهد.

▲ مبانی نظری

فطرت

کلمه فطرت قبل از قرآن سابقه‌ای ندارد و برای اولین بار قرآن این لغت را در مورد انسان به کار برده است. ماده فَطَرَ (ف، ط، ر) مکرر در قرآن آمده است ۱. مفهوم این کلمه، ابداع و خلق - و بلکه خلق به همان معنای ابداع - هست. «ابداع» به یک معنا یعنی آفرینش بدون سابقه. در یک آیه آمده است که در مورد انسان و دین است ۲. معانی مشتقات «ماده فطر» نیز در دائرةالمعارف‌های لغات قرآن مجید در معانی شکافتن، آفریدن، ابداع و نوعی خلق ویژه آمده است (قریشی، ۱۳۷۵، ج ۵، ۱۲۵). قرآن می‌گوید بشریک فطرت دارد که آن فطرت دینی است و دین هم اسلام و اسلام هم یک حقیقت است از آدم تا خاتم. قرآن به «ادیان» قائل نیست به «دین» جمع بسته نشده است؛ چون دین فطرت است، راه است، حقیقتی در سرشت انسان است. انسان‌ها چندگونه آفریده نشده‌اند و همه پیغمبران که آمده‌اند تمام دستورهایشان دستورهایی بر اساس احیاء و بیدار کردن و پرورش دادن حس فطری است و آنچه آن‌ها عرضه می‌دارند تقاضای همین فطرت انسانی است (مطهری، ۱۳۹۴، ۲۵). گرایش به حقیقت‌جویی، گرایش به خیر و فضیلت، گرایش به جمال و زیبایی، گرایش به خلاقیت و ابداع و عشق و پرستش همان فطریاتی هستند که از یک فطرت حاصل شده‌اند. در نهایت چنین می‌توان پنداشت که فطرت، ویژگی ذاتی خاص انسان همراه با آگاهی مبتنی بر تفکر است (سامه، ۱۳۹۲، ۴۸)؛ که بستر معرفتی او را شکل می‌دهد لازم به ذکر است که تمام موارد

بیان شده عامل‌های انگیزشی در قرآن است که اگر درست هدایت شوند انسان را به کمال می‌رسانند.

انگیزش

نظریات انگیزشی امروز به دودسته کلی محتوایی و فرآیندی تقسیم می‌شوند اما نیازهای روان‌شناختی و معنوی انسان که بر فطرت او استوار هستند، سبب شده است برخی از نظریه‌پردازان مسلمان مفهوم انگیزش را در حوزه قرآنی تعریف کنند که به برخی از آن‌ها در جدول شماره ۱ اشاره می‌گردد.

با توجه به نظریه‌های مختلف در این حوزه، همواره مشخص می‌گردد که سه نوع نیاز مادی، روانی و معنوی در فطرت انسان‌هاست که سبب‌ساز تولید انگیزش برای افعال انسان محسوب می‌شود که امروزه برای نیازهای مادی و گاهی اوقات نیازهای روانی تدابیری جهت هدایت درست انگیزش به کار برده‌اند ولی آنچه مغفول مانده است به‌کارگیری عواملی معنوی در تولید انگیزش انسان مسلمان در پرداختن به هر فعلی است که در حوزه معماری نیز این موضوع به‌کلی مغفول مانده است. در حالت کلی انسان با دو نوع انگیزش معرفتی و رفتاری می‌تواند بهره‌وری مناسبی را در انجام هر فعلی داشته باشد که در نظام فطری او علاوه بر نظام‌های عینی نیز این موضوع صادق است.

جدول ۱: تعریف انگیزش در فطرت انسان مسلمان از دیدگاه برخی نظریه‌پردازان معاصر مسلمان

| عامل ایجاد انگیزش در فطرت انسان | نظریه‌پرداز |
|---|--------------------------------|
| حسن و قبح | آیت‌الله سید محمدحسین طباطبایی |
| لذت، مصلحت، معنویت | آیت‌الله مرتضی مطهری |
| نیازهای طبیعی، شخصیتی، کمال طلبی | آیت‌الله محمدتقی جعفری |
| نیاز به معرفت، قدرت، عشق، پرستش، لذت و کمال | آیت‌الله مصباح یزدی |

| عامل ایجاد انگیزش در فطرت انسان | نظریه پرداز |
|-----------------------------------|-----------------------------|
| تقرب الی الله، ترس و شوق | آیت الله سید محمدحسین بهشتی |
| انگیزه‌های مادی، غیرواقعی و معنوی | آیت الله مکارم شیرازی |
| نیازهای مادی و معنوی | ماحوزی |
| نیازهای مادی، تلفیقی و معنوی | آقا پیروز و همکاران |

▲ تعریف نظام (سیستم)

سیستم یا نظام مجموعه‌ای است مرکب از گروهی از اشیا و روابط بین آن اشیا که توسط ویژگی‌هایی معین، باهم وابسته یا مرتبط می‌شوند و این اجزا با محیطشان یک کل را تشکیل می‌دهند (هال و فاگن، ۱۳۷۵) که در تفکر دینی و اسلامی با مفهوم کلی و نگرش توحیدی تطابق دارد (فرشاد، ۱۳۶۲). به عبارت دیگر، سیستم یا نظام، مجموعه‌ای از عناصر است که با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و برای تحقق یک هدف در تلاش‌اند. در هر شبکه، تغییر هر جزء بر دیگر اجزا و بر کل، تأثیر دارد و هیچ یک از عناصر، اثری مستقل و جدا از مجموعه نمی‌گذارند و نمی‌پذیرند. (احمدنیا آلاشتی و دیگران ۱۳۹۲: ۱۳) که در این پژوهش نظام یا سیستم در حوزه فطرت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

▲ محیط نظام (سیستم)

اولین موضوع در سیستم محیط است که یک کل در آن تعریف می‌شود. سیستم‌ها در تعامل با محیط تعریف می‌شوند و محیط با ماهیتی فراگیر، سامانه یا سیستم را درون خود سازمان‌دهی می‌کند کلیه سیستم‌ها درون یک محیط، کار می‌کنند. محیط در نظام فطری، همان فطرت انسان است و اگر فطرت، سلیم و بر پایه تقوا نباشد، اجزاء درون آن کارکرد درستی نخواهند داشت و شناخت معطوف به باطل جایگزین شناخت معطوف به حق خواهد بود که به تبع آن اراده نیز معطوف به باطل خواهد شد. حضرت علی در نهج البلاغه می‌فرماید: «بار خدایا که تو زمین‌ها را گستراندی و آسمان‌ها را نگه داشتی و قلب‌ها را بر فطرتشان قراردادی و آن‌ها را

جبلت بخشیدی» (نهج البلاغه، ۱۳۷۸، خطبه ۷۱). لذا خداوند هم قلوب را آفریده هم به آن فطرت و سرشتی خاص بخشید. البته با یک ایجاد و خلق واحد و بسیط در این تعبیر فطرت محیط بر اجزاء درونی خود است.

▲ انواع نظام (سیستم)

سیستم‌ها از لحاظ نوع اجزا به ۳ گروه فیزیکی، ذهنی و فطری قابل تقسیم هستند (اشرافی، ۱۳۹۵: ۱۰۲) که سیستم‌های فطری در حوزه دینی و علوم انسانی قابل بررسی هستند و البته در نگرش غربی جایگاهی ندارند (اشرافی، ۱۳۹۵: ۱۰۴) و تمرکز پژوهش حاضر بر این نوع سیستم‌ها خواهد بود. سیستم ذهنی یا انتزاعی سیستمی ادراکی است یعنی محصول و ساخته ذهن بشر است. معماری را می‌توان در ارتباط با همه این، نوع سیستم‌ها مورد بررسی قرارداد. کالبد معماری در حوزه نظام یا سیستم‌های فیزیکی و مبانی نظری آن در حوزه نظام ذهنی قابل بررسی هستند و اما از آنجاکه یک طراح برای انسان طراحی می‌کند، باید به انسان بماهوانسان شناخت داشته باشد که از این حیث نظام فطری اهمیت پیدا می‌کند.

▲ ورودی نظام (سیستم)

هر سیستم شامل ورودی، خروجی، پردازش است. ورودی سیستم فطری در این پژوهش همان ایمان یا علت معرفتی است که باعث می‌شود ناظر یا فاعل سیستم که معمار مسلمان است بتواند علت کاربردی خود را که به عمل صالح منتج می‌شود مورد پردازش قرار دهد.

▲ اجزاء نظام (سیستم)

ایجاد و یا خلق یک مرحله اساسی در سیستم است و این ایجاد به واسطه اجزای سیستم اتفاق می‌افتد. آنچه در سیستم اهمیت دارد، یک کل است و اجزاء پراکنده که در این کل، ساختار پیدا می‌کنند و با یکدیگر رابطه معنادار باهم دارند (Piaget, ۱۹۷۱) به عبارتی اگر اجزای سیستم باهم رابطه معناداری نداشته باشند، ساختار تشکیل نشده و سیستم دچار آنتروپی می‌شود. اجزا در سیستم فطری انسان، همان علت‌های فاعلی و صوری هستند که

با اثرگذاری بر یکدیگر و تعامل باهم در جهت یک هدف مشترک که همان علت غایی یعنی رسیدن به حیات طیبه است؛ تلاش می‌کنند.

▲ هویت نظام (سیستم)

جوهره سیستم، روابط بین اجزاست و سیستم سازی به معنای تولید فرآیندها است و روابط بین اجزا هویت سیستمی را تشکیل می‌دهد (اشرافی ۱۳۹۵: ۱۲۲) و این روابط بایستی معنادار بوده تا بتوانند در تحقق یک هدف کارا باشند. رابطه معنادار یا همان هویت سیستم در نظام فطری انسان با الگوی انگیزشی فطری او رقم می‌خورد (احمدنیا آلاشتی و دیگران ۱۳۹۲).

▲ کارکرد نظام (سیستم)

کارکرد همان خروجی مدنظر سیستم است یا همان هدفی است که در سیستم دنبال می‌شود. تا زمانی که اجزاء باهم رابطه معناداری نداشته باشند، خروجی یا کارکرد ارائه نخواهد شد. اگر سیستمی از بیرون نظم بگیرد بدین معناست که بین اجزاء ارتباط معنادار وجود ندارد. ولی اگر سیستم از درون نظم بگیرد ارتباط معنادار بین اجزاء وجود دارد به عبارت کلی متغیر در سیستم همان ارتباط معنادار بین اجزاء است (آلن، ۱۳۶۷: ۱۴۵). کارکردی را که می‌توان در نظام فطری معمار مسلمان بدان پرداخت، همان تحقق فضای حیات طیبه است.

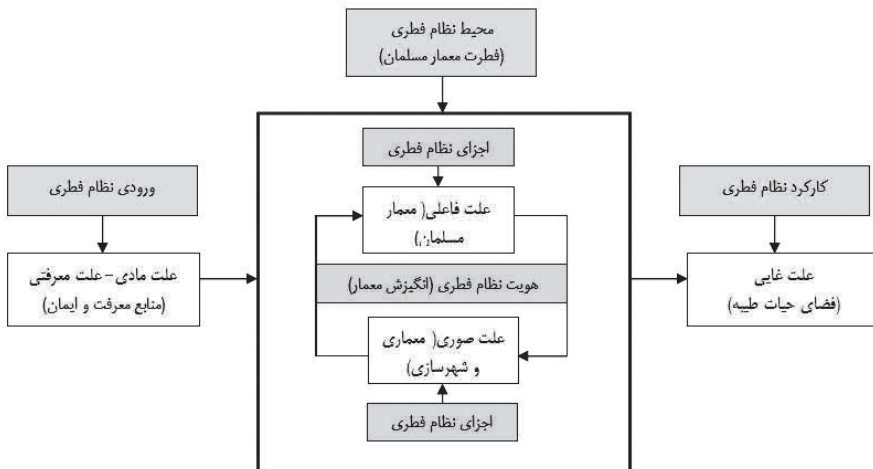
▲ آنتروپی نظام (سیستم)

کالبد معماری زمانی دچار آنتروپی می‌گردد که با محیط بیرون به تعادل و تعامل نرسد و یا اجزاء نتوانند نظم درونی را برقرار کنند؛ اما در تطبیق این فرایند با سیستم‌های فطری، آنتروپی سیستم با گرایش‌های نفسانی به سوی باطل محقق خواهد شد تا جایی که خداوند به واسطه این گرایش به آنتروپی، بر محیط نفس انسان که فطرت و قلب اوست، مهر می‌نهد و مهم آن است که انسان مراقب باشد اگر گناهی از او سر می‌زند در فاصله نزدیک آن را با آب توبه و عمل صالح بشوید، مبدا به صورت رنگ ثابتی برای فطرت درآید و بر آن مهر نهد. در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) بیان شده است: «هیچ بنده مؤمنی نیست مگر این‌که در قلب او یک نقطه

(وسیع) سفید و درخشنده‌ای است هنگامی که گناهی از او سرزند در میان آن منطقه سفید، نقطه سیاهی پیدا می‌شود، اگر توبه کند آن سیاهی برطرف می‌گردد و اگر به گناهان ادامه دهد بر سیاهی افزوده می‌شود تا تمام سفیدی را بپوشاند و هنگامی که سفیدی پوشانده شد، دیگر صاحب چنین دلی هرگز به خیر و سعادت بازمی‌گردد» (کلینی رازی، ۲۷۳:۱۳۹۴).

▲ چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش حاضر، نظریه علل اربعه برگرفته از فلسفه اسلام است. به نظر فلاسفه، «هر امر حادثی نیازمند چهار علت است: علت مادی، صوری، فاعلی و غایی» (لک زایی و سنقری ۱۳۹۴: ۹). وقتی از فلسفه پدیده‌ای که حادث شده، پرسش می‌کنیم، در واقع از این چهار علت سؤال کرده‌ایم. از این نگاه، هرگاه از فلسفه «الگو» پرسیده شود، چهار پرسش زیر مدنظر است: ۱. علت مادی (منابع و مبانی) الگو چیست؟ ۲. علت فاعلی (افراد، نهادها و کارگزاران) الگو چیست؟ ۳. علت صوری (انواع، سطوح و ابعاد) الگو چیست؟ ۴. علت غایی (اهداف و غایات) الگو چیست؟ که این سؤالات را می‌توان به الگوی حیات طیبه نیز تعمیم داد. (شکل ۱)



شکل ۱: روابط بین مؤلفه‌های نظام فطری معمار مسلمان

با توجه به توضیحاتی که در مفاهیم بیان شد، اکنون بایستی به علل اربعه تولید انگیزش در نظام فطری معمار مسلمان جهت خلق فضای حیات طیبه به صورت تفصیلی پرداخت. علت مادی (منابع و مبانی تولید انگیزش جهت خلق فضای حیات طیبه) نظام فطری معمار مسلمان

علت مادی در نظام معرفتی معمار مسلمان همان علت معرفتی اوست. منابع و مبانی که برای الگوی حیات طیبه در قرآن کریم به آن اشاره شده، شامل موارد زیر است: وحی، سنت، عقل و حکمت (لک زایی و سنقری ۱۳۹۴: ۱۰). وحی

خداوند یکی از علت‌های معرفتی را در قرآن که منتج به ایمان می‌شود، وحی معرفی می‌نماید و همواره اشاره می‌کند «و همین‌طور ما روحی از امر خود را به سوییت وحی کردیم، وگرنه تونه می‌دانستی کتاب چیست و نه می‌توانستی ایمان چیست، ولیکن ما آن را نوری کردیم تا به وسیله آن هر که از بندگانهان را خواستیم هدایت کنیم و تو به یقین به سوی صراط مستقیم هدایت کنی...» (شوری ۵۲-۵۳) و همین‌طور در آیه ۵۷ سوره یونس ۴، وحی را شفای قلبی (معرفتی) و هدایتی برای عموم بشر و رحمتی خاص برای مؤمنین می‌داند. وحی که منتج به ایمان می‌گردد به دنباله خود انگیزش‌هایی را در این حوزه برمی‌تابد که شامل ایمان به خدا، ایمان به معاد، ایمان به عالم غیب و وحی، ایمان به نبوت و ایمان به کتاب آسمانی است که مقوله ایمان از وحی انگیزشی ایمانی را در علت معرفتی معمار مسلمان در تمام حوزه‌های قرآنی برمی‌تابد.

سنت

لغت دانان، معانی گوناگونی برای سنت برشمرده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت است از:

- ۱- دوام و استمرار: طبق این معنا، سنت یعنی ادامه دادن. این معنا از گفتار اعراب گرفته شده است که می‌گویند: «سنت الماء اذا والیت فی صبه»، عرب به ریزش پیاپی آب، سنت می‌گوید.
- ۲- راه و روش پسندیده: طبق این معنا، هر جا واژه سنت مطلق و یا با قید حسنه به کار رود، به معنای شیوه و روش نیکو است و برای این‌که شیوه نادرست و ناپسند را افاده کند، باید مقید به قید سیئه شود (جرجانی، ۱۳۷۰: ۵۴).

۳- راه و روش: بنابراین معنا، به روشی که مردم از آن پیروی کنند و برای آنان به صورت عادت درآمده باشد؛ (چه نیکو و چه ناپسند) سنت گفته می‌شود (قریشی، ۱۳۷۱: ۳۴۲). در قرآن و روایات این دو معنا آمده است و به رویه خوب و حسنه، سنت گفته می‌شود؛ ۵ و هم به طریقه و روش سیئه و اشتباه اطلاق شده است ۶. از آنجاکه سنت به راه و روش تعریف می‌گردد، راه و روشی که در جهت حسنه حرکت کند، مفهوم انگیزشی تقوا را می‌تواند رقم بزند. انسانی که ایمان به وحی و سنت دارد، او انگیزه به تقوی دارد و تمام افعال خود را در این جهت برمی‌تابد. رابطه تقوی و معماری و شهر را می‌توان رابطه متقابل و مؤثر بر یکدیگر دانست، به این معنا که هر چه میزان تقوی معمار مسلمان در جامعه افزایش یابد، تأثیر آن بر فرایند ایجاد محیطی متکی بر اصول اسلامی و تجلی‌کننده ارزش‌های مستتر در آن افزایش می‌یابد؛ و متقابلاً هر چه هویت اسلامی محیط تقویت شود و اهل خود را بیشتر به ارزش‌های معنوی متذکر گردد و فضای لازم برای زندگی اسلامی و انسانی را برای اهل خود تأمین کند، امکان افزایش تقوای مردم نیز به نحو مطلوب‌تری فراهم خواهد شد. «ایجاد محیط مناسب و مطلوب برای زندگی و فعالیت انسان که مبتنی بر تعالی الهی باشد، در ارتقای روح تقوی در آحاد جامعه نقشی ارزنده ایفا نموده و همچنین از ایجاد زمینه‌های که تقوای جامعه را خدشه‌دار نماید، پیشگیری می‌کند» (نقی زاده ۱۳۹۲: ۱۰۸)؛ بنابراین تقوی که یک راه پسندیده برگرفته از وحی و سنت است و به‌عنوان علت مادی و اصلی معمار مسلمان به‌نظام فطری او معنا می‌بخشد.

▲ عقل و حکمت

واژه حکمت، چنانکه در فرهنگ‌نامه‌ها از جمله مفردات راغب آمده، به معنای رسیدن به حقیقت به‌وسیله علم و عقل است. علامه طباطبایی درباره معنای واژه حکمت می‌گوید: «حکمت (به اصطلاح نحوی) بناء نوع است؛ یعنی نوعی از محکم‌کاری یا کار محکمی که سستی و رخنه‌ای در آن راه ندارد و غالباً در معلومات عقلی واقعی که ابدأ قابل بطلان و کذب نیست؛ استعمال می‌شود (علامه طباطبایی، ۱۳۶۰: ج ۳، ص ۳۹۵). عقل و حکمت در انسان مسلمان، انگیزش حقیقت‌جویی را سبب می‌گردد. انگیزش حقیقت‌جویی سبب می‌گردد تعصب و لجاجت، جهل، تقلید کورکورانه از الگوهای معماری غربی و هواپرستی

از فطرت معمار مسلمان رخت بریندد؛ بنابراین معمار مسلمان به واسطه حکمت با کشف «حقیقت» به وسیله اتصال «قوه خیال» در نفس به عالم «عقل کل»، سعی در تذکار و تجلی آن در قالب معماری و هنر را داشته است. حقیقتی که ذهنی نیست؛ بلکه وجود دارد و در این فرآیند «هندسه» به ابزاری تبدیل می‌گردد که «حیات طیبه» به واسطه آن تجلی خواهد یافت (اشرفی و نقی زاده، ۱۳۹۴: ۴۰).

سه مؤلفه وحی، سنت و عقل (حکمت) به‌عنوان علل مادی یا علل معرفتی معمار مسلمان می‌توانند در قالب مفاهیم انگیزشی ایمان و تقوا و حقیقت‌جویی به‌عنوان ورودی نظام فطری معمار مسلمان، علت فاعلی یا معمار را به عمل صالح سوق دهند. بنابراین ایمان و تقوا و حقیقت‌جویی انگیزش‌هایی هستند که از سه علت معرفتی معمار مسلمان حاصل می‌شوند. این سه مؤلفه در حوزه معماری و شهرسازی اگر بروز کنند، می‌توانند انگیزش‌های رفتاری مبتنی بر عمل صالح را در معمار مسلمان محقق سازند. به عبارتی اگر علت فاعلی یعنی معماران و علت صوری یعنی اثر معماری که از اجزای نظام فطری محسوب می‌شوند رابطه معناداری را به‌واسطه ایمان و تقوا و حقیقت‌جویی رقم بزنند، صورت‌هایی که در اثر معماری خلق می‌شود، محصول عمل صالح او خواهد بود که این عمل تمام افعال معماری آن معمار را شامل خواهد شد.

▲ علت فاعلی (معماران، مردم و کارگزاران تولید انگیزش جهت خلق فضای حیات طیبه) در نظام فطری معمار مسلمان

در قرآن کریم دستیابی به هر غایتی مستلزم وجود فعلی متناسب با آن غایت است و این فعل در حوزه معماری و شهرسازی به‌واسطه معمار انجام می‌پذیرد که البته نهادهای مختلف معماری و شهرسازی و خود مردم نیز در این حوزه قرار می‌گیرند؛ اما فعلی که در نظام فطری معمار مسلمان صورت می‌گیرد براساس نوع ورودی است که به‌نظام داده شده است. چنانچه ورودی سیستم ایمان و تقوا و حقیقت حاصله از منابع معرفتی (علت مادی) باشد، می‌تواند در ایجاد مفاهیم انگیزشی عمل صالح جهت وصول به حیات طیبه مسیر درستی را طی نماید اما چنانچه این ورودی برگرفته از هوای نفس باشد، انسان را از حیات طیبه دور خواهد

ساخت. عمل صالح که یکی از شروط تحقق حیات طیبه است با تعامل بین اثر معماری و خود معمار حاصل می‌شود که علت فاعلی را با علت صوری درگیر می‌کند. چنانچه معمار مسلمان بتواند مفاهیم انگیزش رفتاری را از صفات فعلی انسان و خداوند در قرآن استخراج نماید در آن صورت است که می‌تواند عمل صالح را در این حوزه تحقق بخشد که در جدول شماره ۲ بدان‌ها اشاره شده است. لازم به ذکر است صفات فعلی خداوند و انسان و به تبع آن انگیزش‌های حاصله از آن‌ها جهت رسیدن به حیات طیبه بیشتر از آن چیزی است که در جدول دو بدان اشاره شده است؛ اما به دلیل کمی مجال به انگیزش‌هایی اشاره شده است که بیشترین تأثیر را در علت فاعلی گذاشته و تحقق فضای حیات طیبه را ممکن می‌سازند. مؤلفه‌های مطرح شده در جدول همان انگیزش‌های رفتاری در معمار مسلمان هستند که او را به عمل صالح سوق می‌دهد و این انگیزش‌های رفتاری ناشی از انگیزش‌های معرفتی ایمان و تقوا بوده است که بدان‌ها اشاره گردید. اگر معماری بتواند این دو مقوله را باهم به منصفه ظهور برساند، جهت قیام ظهوری صورت معماری حقیقت محور عمل صالح انجام داده است.

جدول ۲: عمل صالح علت فاعلی و انگیزش رفتاری معمار مسلمان در جهت تحقق عمل صالح

| صفات فعل الهی و انسانی مستخرج از قرآن | انگیزش رفتاری «علت فاعلی» معمار مسلمان جهت تحقق عمل صالح در نظام فطری |
|---------------------------------------|---|
| عدل | تعادل محوری |
| توحید | وحدت انگاری |
| احسان | نیکی محوری |
| قدر | اندازه مداری، تناسب محوری، نظم محوری |
| صدق | هویت بخشی |
| حیا | درون‌گرایی |
| امانت | رعایت مداری در حقوق |
| کرامت | تکریم مداری |

| انگیزش رفتاری «علت فاعلی» معمار مسلمان جهت تحقق عمل صالح در نظام فطری | صفات فعل الهی و انسانی مستخرج از قرآن |
|---|---------------------------------------|
| آگاهی محوری | ذکر |
| حس حضور | عبادت |
| تاریخ مداری | عبرت گیری |
| تذکر محوری | امر به معروف و نهی از منکر |
| قاعده نفی سبیل | عزت |
| ایمنی محوری | امنیت |
| مردم‌داری | تعاون |
| قناعت ورزی و عدم اسراف | شکر |
| زیبایی محوری | خشنودی |
| آموزش محوری | آگاهی |
| سکینه محوری | آسودگی |
| اصالت گرایی | متانت |
| قانون محوری | تسلیم |
| خوانایی | سادگی |
| سلسله مراتب | تکامل |
| طبیعت محوری | آیت مداری |
| معنویت گرایی | تسبیح |
| جهت گیری | هدایت |
| تعامل محوری | اخلاق |

▲ علت صوری (حوزه، سطوح و ابعاد تولید انگیزش جهت خلق فضای حیات طیبه) در نظام فطری معمار مسلمان

فاعل براساس مواد خودش به ایجاد صورت براساس هدفی که دارد می‌پردازد؛ به طور مثال برای ساخت صندلی چوبی به نجار مراجعه می‌کنیم؛ ولی برای ساخت صندلی فلزی سراغ آهن‌گر می‌رویم. این نشان‌دهنده تأثیر مواد در انتخاب فاعل و کارگزار است و همچنین صندلی را به شکل خاصی، متفاوت با صورت میز، می‌سازد. همین‌طور این دو با علت صوری هم باید هماهنگ باشد. البته هماهنگی غیر از متغیر و ثابت بودن صورت‌هاست؛ چراکه احکام صوری بسیار وابسته به زمان و مکان است؛ اما در عین حال هماهنگ با سه علت دیگر نیز باید باشد؛ زیرا به نام زمان و مکان نمی‌شود هر صورت متعارض با سه علت دیگر را لحاظ کرد و آوردنش قطعاً منجر به علت تامه الهی نمی‌شود (لک زایی و سنقری ۱۳۹۴: ۲۰). لازم به ذکر است که انگیزش علت فاعلی که در جدول شماره دو بدان اشاره گردید، صورتی را در معماری و شهرسازی ایجاد می‌کند که می‌توان آن را به عنوان علت صوری رسیدن به فضای حیات طیبه در نظر گرفت. علت‌های صوری انگیزش علت فاعلی در جهت تحقق حیات طیبه در جدول شماره سه لحاظ شده‌اند و همواره سعی شده است که صورت متناظر با انگیزش علت فاعلی در قالب معماری برای آن مشخص گردد. علت فاعلی و علت صوری هر دو از اجزای ساختار نظام فطری معمار مسلمان هستند که بر یکدیگر تأثیر گذاشته و تأثیر می‌پذیرند. صورت‌ها در واقع تجلی ایمان معمار مسلمان به واسطه عمل صالح او می‌باشند که می‌توانند مبدأ معرفت مخاطبین در نیل به حقیقت اثر باشند.

جدول ۲: تبیین علت صوری معماری در جهت انگیزش‌های علت فاعلی (معمار)

| تجلی علت صوری در معماری و شهرسازی در نظام فطری معمار مسلمان | انگیزش رفتاری «علت فاعلی» معمار مسلمان جهت تحقق عمل صالح در نظام فطری |
|--|---|
| <p>قرار گرفتن هر جزء از شهر یا معماری در جای خودش، تنظیم ارتباطات جمعی، ایجاد تعادل بین طبیعت و بنا، طراحی صحیح بر مبنای بهره‌گیری همه ساکنین از نور مناسب، پرهیز از تزئینات لغو، ایجاد تعادل خط آسمان بنا، طراحی کیفیت هر فضا بر اساس عم لکرد خود آن، ایجاد تعادل در استفاده از فضاهای طبیعت محور در شهر برای همه شهروندان و ...</p> | <p>تعادل محوری</p> |
| <p>تدوین اصول معماری مناسب جامعه اسلامی برای وحدت در نماهای شهری، ایجاد وحدت مادی و کیفی در بناهای مختلف با عملکردهای متفاوت، تجلی یک حقیقت در صورت شهر و معماری، ایجاد هماهنگی بین فضاهای متفرق و متکثر شهری و ...</p> | <p>وحدت انگاری</p> |
| <p>طراحی و ساخت فضاهای خاص برای اقشار خاص جامعه مانند معلولین، فراهم آوردن فضاهای نگهداری کودکان در سازمان‌ها برای مادران شاغل، پیش‌گیری از ایجاد فضاهایی که باعث تبعیض محلات نسبت به هم می‌گردد، فراهم کردن حمل و نقل آسان برای کلیه شهروندان، ایجاد فضاهای مکث شهری و معماری در سطح شهر و بناهای عمومی برای استراحت شهروندان و ...</p> | <p>حسن محوری</p> |

| <p>تجلی علت صوری در معماری و شهرسازی در نظام فطری معمار مسلمان</p> | <p>انگیزش رفتاری «علت فاعلی» معمار مسلمان جهت تحقق عمل صالح در نظام فطری</p> |
|--|--|
| <p>تناسب بین فرم و عملکرد، تناسب بین فرم و ارزش های جامعه، تناسب بین بنا و محله، تناسب بین بنا و اندازه های آن، تناسب کالبدی و کیفی یک محله در ارتباط با محلات دیگر و شهر، تناسب بین مبلمان های شهری با فضاهای شهری، توجه به ابعاد و اندازه های بنا در ارتباط با بناهای مجاور، توجه به ابعاد فضاهای داخل بنا بر اساس نوع عملکرد آن ها، ایجاد نظم در روابط بین اجزای شهری و معماری، ایجاد نظم در مسیر و سیرکولاسیون های شهری و معماری، رعایت نظم در توزیع امکانات شهر و ...</p> | <p>اندازه مداری، تناسب محوری، نظم محوری</p> |
| <p>تمرکز بر الگوهای بومی و اسلامی در طراحی بنا و فضای شهر، ایجاد فضاهایی جهت القا حس تعلق، بهره گیری از فرم های انسان مدار و درون گرا در معماری، توجه به تداوم تاریخی فضاها از گذشته تا به اکنون، عدم بهره گیری از نماهای و الگوهای غربی همچون نمای کلاسیک، ایجاد هسته مرکزی در محلات با تکیه بر فضای تعاملات انسانی و ...</p> | <p>هویت بخشی</p> |
| <p>عدم اشرافیت بازشوهای بناها بر یکدیگر، ایجاد محرمیت فضایی در معماری و خانه ها، سادگی بنا و پرهیز از تزئینات خودنما و اغواگر، عدم طراحی و ساخت فضاهای عریان با تکیه بر شفافیت بیش از اندازه، اجتناب از نماهای نمایش گونه و ...</p> | <p>درون گرایی</p> |

| تجلی علت صوری در معماری و شهرسازی در نظام فطری معمار مسلمان | انگیزش رفتاری «علت فاعلی» معمار مسلمان جهت تحقق عمل صالح در نظام فطری |
|--|---|
| <p>توجه به توزیع عادلانه امکانات شهری برای همه شهروندان، بهره‌گیری عادلانه فضای طبیعی و نور مناسب همه ساکنین یک مجتمع یا شهر، عدم تجاوز به حریم‌های همسایگی با ساخت وسازهای غیرمجاز، جلوگیری از ساخت بناهای غیرقانونی، بهره‌گیری مناسب فضاهای پارکینگ برای همه شهروندان و ...</p> | <p>رعایت مداری در حقوق</p> |
| <p>توجه به نیازهای فیزیولوژیک، روانی و روحی شهروندان در تحقق فضای زندگی، اجتناب از خلق فضاهای پرازدحام، توجه به حریم خانواده در طراحی فضاهای مسکن، توجه به ویژگی‌های میدان دید انسان، توجه به شرایط محیطی و اقلیمی در طراحی بناها، خلق فضاهای مناسب با ابعاد مناسب که درشان انسان برای زندگی باشند و ...</p> | <p>تکریم محوری</p> |
| <p>وجود نمادهای هشدار دهنده جهت تمرکز بر مادیات در فضاهای شهری، ترویج معماری اسلامی و بومی با تکیه بر نمادهای تداومی تاریخی، حضور فضاهای مذهبی و آیینی در مرکز محلات و ...</p> | <p>آگاهی محوری</p> |
| <p>ایجاد حس ارتباط با فضاهای عبادی، القای جهت قبله با جهت‌گیری بناها، انتخاب فرم‌های ساده، ساخت ورودی بناهای مذهبی در جهت قبله (مانند بناهای اطراف نقش جهان)، ایجاد سلسله مراتب فضایی از فضای بیرون به درون مساجد با القای حس حضور، خلق فضاهای مکث شهری در فضاهای عبادی جهت آرامش و تفکر شهروندان و ...</p> | <p>حس حضور</p> |

| تجلی علت صوری در معماری و شهرسازی در نظام فطری معمار مسلمان | انگیزش رفتاری «علت فاعلی» معمار مسلمان جهت تحقق عمل صالح در نظام فطری |
|---|---|
| <p>توجه به معنا و اصول فضاهای گذشتگان نه تقلید صورت و ظاهر آن‌ها، توجه به تداوم فرهنگی و تاریخی در آثار با تکیه بر ارزش‌های مورد احترام جامعه اسلامی، اجتناب از تقلید فرم‌های نامناسب که در گذشته بی مفهوم بودند و ...</p> | <p>تاریخ مداری</p> |
| <p>وجود نمادهای یادآور ارزش‌های اسلامی در شهر و معماری، تذکردهی به واسطه بیلبوردهای شهری به جای ترویج مصرف‌گرایی، تأکید بر فضاهای مقدس شهری با نمادهای هویت دار، بهره‌گیری از فرم‌های نمادین و واجد معنا در معماری و فضاهای شهری، تذکر به شهروندان با بهره‌گیری از فضاهای مکث و مبلمان شهری، حضور فضاهای مذهبی در تمام بناهای عمومی و ...</p> | <p>تذکر محوری</p> |
| <p>عدم پذیرش الگوهای معماری و شهری غربی از جمله نمای کلاسیک، پلازهای شهری، ترکیب فضای خصوصی و عمومی در مسکن، عدم تقلید کورکورانه از فرم‌های غربی، عدم استفاده از مصالح نامناسب وارداتی، ناهماهنگ با ارزش‌ها و اقلیم جامعه و ...</p> | <p>قاعده نفی سبیل</p> |
| <p>عدم وجود فضاهای مستعد ارتکاب جرم در شهر، تأمین امنیت بصری و شنوایی در فضای شهری و معماری، تأمین امنیت فرهنگی شهر با تکیه بر نمادهای بومی، تأمین امنیت شهر و معماری در برابر آلودگی‌های محیطی، تأمین امنیت حرکتی برای معلولین و کودکان در سطح شهر و ...</p> | <p>ایمنی محوری</p> |

| تجلی علت صوری در معماری و شهرسازی در نظام فطری معمار مسلمان | انگیزش رفتاری «علت فاعلی» معمار مسلمان جهت تحقق عمل صالح در نظام فطری |
|---|---|
| <p>طراحی و ساخت بناها با مشارکت پرسش‌نامه‌ای از مردم در جهت رفع نیازهای واقعی آن‌ها، احیا سنت وقف، ایجاد فضاهایی مناسب جهت مراسم آیینی و بومی، توجه به سرای محله‌ها در جهت مشارکت هرگونه تغییرات در محلات، تقویت عملکرد مسجد در امور اجتماعی و ...</p> | <p>مردم‌داری</p> |
| <p>عدم ترویج مصرف‌گرایی در بیلبوردهای شهری، عدم تمرکز بر جنبه مادی زندگی، مصرف معقول مصالح در ساخت بنا، استفاده از منابع در دسترس در ساخت بناها، عدم رشد مدگرایی در معماری به واسطه فضاهای خاص و ...</p> | <p>قناعت ورزی و عدم اسراف</p> |
| <p>بهره‌گیری از عناصر طبیعی در شهر و معماری، رعایت توازن بین رنگ، بافت و فرم بناها، اهمیت به پاکی فضاها، توجه به مقیاس‌های مناسب هر فضا، بهره‌گیری از عناصر متذکر امور معنوی در ارتباط با کالبدهای معماری و شهری، توجه به پرسپکتیو مناسب خیابان‌ها و عدم وجود فضاهای مشکوک و خالی از معنا و ...</p> | <p>زیبایی محوری</p> |
| <p>امکان مشارکت متولیان دینی و معماران در تمام حوزه‌های شهرسازی و معماری، وجود تابلوهای آگاهی‌دهنده در فضاهای مکث شهری و بناهای عمومی و پارک‌ها، مجاورت مراکز آموزشی دینی و هنری با محلات، وجود سالن‌های اجتماعات مناسب در هر محله جهت برگزاری مراسم مختلف و ...</p> | <p>آموزش محوری</p> |

| | |
|--|--|
| <p>تجلی علت صوری در معماری و شهرسازی در نظام فطری معمار مسلمان</p> | <p>انگیزش رفتاری «علت فاعلی» معمار مسلمان جهت تحقق عمل صالح در نظام فطری</p> |
| <p>ایجاد حس آرامش با نورگیری مناسب فضاهای عمومی و خانه‌ها، تنظیم شرایط محیطی با تکیه بر شرایط اقلیمی هر منطقه، ایجاد حس آرامش در فضاهایی که امکان وقوع ناهنجاری‌های اجتماعی دارند، مجاورت فضاها با فضاهای طبیعی، تقویت حس امنیت با تأمین انواع مراتب امنیت و ...</p> | <p>سکینه محوری</p> |
| <p>بهره‌گیری از شیوه‌های بومی و تاریخی در تدوین الگوهای معماری و شهرسازی، اهتمام در تداوم فرهنگی و تاریخی عناصر معماری، سعی در تطبیق ویژگی‌های بناها و شهر با نیازهای اصلی شهروندان، عدم تقلید کورکورانه از آثار غربی و غیرخودی، توجه به محلات قدیم و بازسازی بناها در جهت عدم کوچ ساکنین آن و ...</p> | <p>اصالت‌گرایی</p> |
| <p>تساوی تمام اهل و مدیران شهری در مقابل قانون و رعایت قوانین، حذف پرداخت جریمه و اعمال دستور تخریب بنا برای متخلفین از قانون در ساخت فضاهای دارای خلاف، تدوین قوانین مدون برای نماها و معماری بناها و ...</p> | <p>قانون محوری</p> |
| <p>مشخص بودن فرم‌های معماری براساس نوع عملکرد آن‌ها، خوانایی سیرکولاسیون و مسیرهای حرکتی فضاهای شهری و بناهای عمومی، تبیین مسیرهای خوانا جهت حرکت اقشار خاص جامعه در سطح شهر، تبیین روابط ساده و مشخص در فضاهای بناهای اداری و تجاری جهت دسترسی آسان، تدوین اصول خوانا و با وضوح جهت گروه‌های سنی پایین در سطح شهر و ...</p> | <p>خوانایی</p> |

| تجلی علت صوری در معماری و شهرسازی در نظام فطری معمار مسلمان | انگیزش رفتاری «علت فاعلی» معمار مسلمان جهت تحقق عمل صالح در نظام فطری |
|---|---|
| <p>توجه به نظم تکاملی از هسته محله تا منازل با رعایت سلسله مراتب فضایی، پیشگیری از تداخل حریم محلات با اتوبان ها، عدم بهره گیری ویژگی های یکسان و الگوهای مشابه برای فضاهایی با عملکرد متفاوت، رعایت نظم و ایجاد سلسله مراتب در بدو ورود به منازل در آپارتمان ها، رعایت سلسله مراتب بین فضاهای ورودی، خصوصی و عمومی در داخل منازل و ...</p> | <p>سلسله مراتب</p> |
| <p>امکان تعبیه فضاهایی جهت کاشت گیاهان در آپارتمان ها، امکان تعبیه بام سبز در بناهای مختلف شهری، احداث فضای سبز مختص هر محله و در نزدیک ترین مکان به ساکنین، توجه به نور مناسب در فضاها، توجه به شیب و پستی زمین در احداث بناها، توجه به تمام ویژگی های جوی و بهره گیری مناسب از آن ها جهت بهبود بخشیدن بر فضاهای معماری مانند احداث بادگیرهای امروزی برای تهویه، استفاده از انرژی خورشیدی برای تأمین انرژی بناها و ...</p> | <p>طبیعت محوری</p> |
| <p>تسلط عناصر معنوی شهر بر کالبد شهر، عدم تمرکز بر عناصر مادی در شهر، فراهم آوردن دسترسی های مناسب برای فضاهای مقدس، احداث یادمان های مقدس در فضاهای عمومی من جمله پارک ها، تقویت قوه بصری شهروندان با تصویرهای متذکر بر معنا و</p> | <p>معنویت گرایی</p> |
| <p>فقدان و تقلیل فضاهایی که امکان سردرگمی را برای شهروندان فراهم می کنند، وجود عناصر تذکر دهنده همچون بیلبردهای شهری و یا فضاهای مذهبی در معماری در جهت القای نیازهای روحی شهروندان، تمرکز بر بنای مساجد با شاخص کردن فرم آن در محله و ...</p> | <p>جهت گیری</p> |

| | |
|---|--|
| <p>تجلی علت صوری در معماری و شهرسازی در نظام فطری معمار مسلمان</p> | <p>انگیزش رفتاری «علت فاعلی» معمار مسلمان جهت تحقق عمل صالح در نظام فطری</p> |
| <p>خلق فضاهای مشارکتی در شهر و شهرک‌ها و محلات و بناها، امکان حضور حداکثری در فضاهای آیینی و عبادی، توجه به نوع مسیر حرکتی واحدهای همسایگی در جهت تعامل با یکدیگر، احداث پیاده راه‌ها در فضاهای شهری بالأخص مناطق تجاری و ...</p> | <p>تعامل محوری</p> |

▲ علت غایی (خلق فضای حیات طیبه) در نظام فطری معمار مسلمان

در لغت عرب دو واژه «الهدف» و «الغایة» داریم که الهداف چند معنا دارد و آن معنایی که مدنظر است نشانه و هدف تیراندازی، نهایت و مقصد است. (معلوف، ۱۳۷۰: ۹۵۲) و واژه الغایة به معنای پایان است. (معلوف، ۱۳۷۰: ۶۳۵) در تفاوت این دو واژه آمده است: نتیجه کار از آن جهت که منتهی الیه است غایت می‌نامند و از آن جهت که از آغاز مورد نظر و قصد فاعلی بوده است هدف و غرض می‌نامند و از جهتی که مطلوبیت آن موجب اراده فاعل به انجام کار شده است، علت غایی نامیده می‌شود. در اصطلاح هدف به چیزی می‌گویند که فاعل در کار خودش آن را در نظر می‌گیرد آن فایده‌ای که بر کارش مترتب می‌شود قبل از انجام کار آن را در نظر می‌گیرد تا به وسیله آن کار، منظورش را تأمین کند. (مصباح یزدی ۱۳۷۴: ۲۲۱)

قرآن کتاب هدایت است؛ در هر هدایتی تعیین نقطه شروع، نقطه پایان، مسیر، عوامل انگیزشی و موضوع هدایت از عناصر اساسی به شمار می‌آید. انسان به عنوان مخاطب کلام خداوند، موضوع هدایت است؛ چنان‌که رسولان نیز با دغدغه هدایت انسان آمدند. قرآن بنیان‌های اعتقادی و اندیشگی برای انسان ارائه کرده که آگاهی از آن‌ها برای نیل به مقصد ضروری است. همچنین اصول تربیتی و اخلاقی و نظامات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، حقوقی و خانوادگی را نیز بیان کرده است. نقطه آغاز حرکت از خداست و نقطه پایان نیز اوست: «انا لله وانا الیه راجعون» (بقره، آیه ۱۵۶) بینش و دانش ارائه شده در قرآن عهده‌دار

رهای انسان از ظلمت‌ها (بحران‌ها) به سوی نور است ۷. این نور جامع حسنات دنیا و آخرت است، توسعه‌ای است همراه با تعالی، مادیتی است همراه با معنویت ۸؛ بنابراین خداوند در حالت کلی در قرآن کریم دو هدف دنیوی و اخروی را دنبال می‌کند. اهداف دنیا از منظر قرآن کریم به صورت کلی شامل عدالت، آزادی، حکومت و... می‌شود و به صورت جزئی‌تر به صورت زیر قابل طرح است: سبک شهر و شهرسازی اسلامی، سبک خانواده اسلامی، سبک اسلامی کارگرو و کارفرما، سبک اسلامی رفتار متقابل اجتماعی، سبک آموزش اسلامی، سبک اسلامی تربیت فرزند و بسیاری از موضوعات دیگر است که احتیاج به پژوهشی‌های جداگانه دیگری دارد و غایت اخروی که قرآن بیان می‌کند، رضوان الهی است و جزا را بهشت و جهنم معرفی می‌نماید و پایین‌ترین مرتبه اهداف، اهداف دنیوی است که در قرآن کریم آمده است؛ اما از نگاهی مهم‌ترین است؛ چراکه رسیدن به اهداف الهی و اخروی در دنیا صورت می‌گیرد اما نه به هر روشی و تنها روشی که در این دنیا محقق می‌شود، الگوی حیات طیبه است. (لک زایی و سنقری ۱۳۹۴: ۲۷) بنابراین معمار مسلمان چنانچه بتواند ایمان را در نظام فطری خود ایجاد کند و عمل خود را بر پایه همان ایمان رقم بزند، صورت‌هایی را خلق خواهد کرد که در نهایت منتج به تحقق فضای حیات طیبه خواهد شد. (جدول ۳) حیات طیبه، در واقع، شیوه زیست خاصی است که پس از ایمان و عمل صالح به عنوان هدیه‌ای الهی به انسان القا و اهدا می‌شود. این امری طبیعی است که کسی که مؤمن (علت فاعلی) باشد، بی‌گمان مطابق فرمان‌ها الهی و سنت الهی و سنت رسول ﷺ و فطریات خویش (علت مادی) انگیزشی پیدا می‌کند؛ و در نتیجه، همه اعمال او (علت صوری) که بر اساس آموزه‌های وحیانی انجام شده‌اند، صبغه‌ای الهی (علت غایی) و در نتیجه عمل صالح و اصلاح‌گری در زمین و احتراز از فساد و تباهی در زمین خواهد بود. به عبارتی اندیشه مؤمنانه و خداپاورانه (علت فاعلی)، انسان را به انجام اعمال صالح (انگیزش‌های رفتاری) رهنمون می‌شود که حاصل آن شیوه زیست پاک می‌شود؛ و از آنجایی که «شهر» نیز حاصل اعمال انسان خواهد بود، نتیجه محتوم ایمان و عمل صالح، هم «حیات طیبه» است و هم خلق فضا و مکان و محیطی مناسب برای بقا و تداوم این «حیات طیبه» یعنی خلق «فضای حیات طیبه» و تمام این سیر در یک نظامی اتفاق می‌افتد که پژوهش حاضر آن را با عنوان نظام فطری معرفی

نموده است که هیچ‌کدام از علل به‌عنوان بخش‌های مختلف نظام به‌تنهایی و بدون دیگری، امکان تحقق فضای حیات طیبه را ممکن نمی‌سازد. به عبارتی مفهوم انگیزش در علت مادی به‌عنوان ورودی سیستم فطری انسان که براساس انگیزش‌های معرفت‌مدارانه ایمان، تقوا و حقیقت‌جویی مطرح شد، محرک علت فاعلی و تولید انگیزش‌های رفتاری از او در چرخه نظام فطری گردید که با تعامل معمار و اثر معماری در محیط سیستم فطری منتج به خلق صورت‌هایی گردید که تحقق فضای حیات طیبه را ممکن می‌سازد.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که مطرح گردید در روابط کالبد معماری و تعامل آن با محیط نظام عینی کارایی دارد ولی در تعاملی که معمار مسلمان با اثر معماری دارد، نظام فطری او به‌عنوان یک نظام معرفتی و انگیزشی بایستی موردتوجه قرار بگیرد و از آنجا که هر نظامی باید جهت تحقق کارکرد مورد انتظار، در تنظیم ورودی نظام و اجزای خود، صحیح عمل نماید، نظام فطری معمار مسلمان نیز بایستی در جهت تحقق فضای حیات طیبه به‌عنوان کارکرد نظام فطری، در تعامل بین ورودی (ایمان) و اجزای خود (عمل صالح) در مسیر فطرت قرار بگیرد و از طرفی الگوی فضای حیات طیبه یک پدیده محسوب می‌شود و هر پدیده‌ای باید جهت تحقق وجودی خویش به علل اربعه پاسخگو باشد. علل اربعه این الگو همواره در نظام فطری معمار مسلمان قابل تحقق است لذا انگیزش معرفتی (ایمان، تقوا و حقیقت‌جویی) حاصل از علت مادی نظام فطری معمار مسلمان (وحی، سنت و عقل) همواره محرکی محسوب شد جهت تحقق انگیزش‌های رفتاری (عمل صالح) که در تعامل با علت صوری یا همان اثر معماری، توانست فضاهایی را جهت علت غایی نظام فطری مسلمان به منصفه ظهور بگذارد. به عبارتی الگوی فضای حیات طیبه، محصول نظام فطری معمار مسلمانی است که با ایمان و عمل صالح توانسته است، صفات افعالی الهی و انسانی را که خداوند در قرآن بدان اشاره کرده است با انگیزش‌های معرفتی و رفتاری خود در قالب صوری که با تکیه بر وجوه اثباتی و سلبی بدان‌ها اشاره گردید، در شهر و معماری محقق سازد.

پی نوشت

۱. فَطَّرَهُنَّ (انبیا/۵۶)، فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (انعام/۱۴)، إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ وَمُنْفَطِرٌ بِهِ (مزمل/۱۴).
۲. فَاقِمِ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ (روم/۳۰).
۳. وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُوراً نُوهِدَى بِهِ مِنْ نَشَاءِ مَنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدَى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (شوری/۵۲).
۴. صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ (شوری/۵۳).
۵. يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ ثِقَمٌ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ (یونس/۵۷).
۶. وَيَهْدِيكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ (نساء/۲۶).
۷. لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ (حجر/۱۳).
۸. كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (۱/ ابراهیم).
۹. وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۲۰۱/ بقره).

منابع

- قرآن کریم.
۱. احمدنیا آلاشتی، سیامک؛ محمدی، ابوالفضل؛ بازگانی، محمد؛ اسکندری، مجتبی. (۱۳۹۲). الگوی انگیزش انسان در سازمان از دیدگاه قرآن کریم، فصلنامه مدیریت اسلامی، شماره ۶، ۱۱-۳۶.
 ۲. اشرافی، نسیم و نقی زاده، محمد، ۱۳۹۴، مقایسه تطبیقی فرایند شناخت و آفرینش- با تبیین جایگاه «حقیقت» و «ایده»- در هنر و معماری غربی و اسلامی، فصلنامه هویت شهر، سال ۹، شماره ۲۳، ۳۷-۴۶.
 ۳. اشرافی، نسیم. (۱۳۹۵)، مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی با تکیه بر نگرش سیستمی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
 ۴. جرجانی، محمد ابن علی، (۱۳۷۰)، التعریفات. تهران: ناصر خسرو.
 ۵. راین، آلن. (۱۳۶۷)، فلسفه علوم اجتماعی، مترجم عبدالکریم سروش. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۶. سامه، رضا؛ صداقت، علی. (۱۳۹۲). مرتبه بندی معماری متناسب با ساختار وجودی انسان بر اساس آموزه های قرآن و حکمت اسلامی. دو فصلنامه تخصصی پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم، شماره ۱، ۳۹-۷۴.
 ۷. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۶۰)، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۸. فرشاد، مهدی، (۱۳۹۱)، نگرش سیستمی در علم و عرفان، تهران: انتشارات میرماه.
 ۹. قریشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، جلد ۳. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۹)، اصول کافی، تهران: ولی عصر.
 ۱۱. لک زایی، نجف؛ سنقری، محمد. (۱۳۹۴). الگوی اسلامی پیشرفت بر اساس مفاهیم قرآن کریم. فصلنامه سیاست متعالیه، سال سوم، شماره ۸، ۷-۲۸.

۱۲. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۴)، معارف قرآن، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه محمد مدرسین.
۱۳. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۴)، فطرت، تهران: انتشارات صدرا.
۱۴. مظفر، محمدرضا. (۱۳۷۴). المنطق، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه الجماعة المدرسین.
۱۵. معلوف، لوئیس. (۱۳۷۵). المنجد، ترجمه محمد بندریگی، قم: انتشارات ایران.
۱۶. نقی زاده، محمد. (۱۳۹۲). شهر عقل مدار. تهران: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
۱۷. نقی زاده، محمد. (۱۳۹۵)، نظریه فضای حیات طیبه شهرآرمانی اسلام. تهران: انتشارات علوم و تحقیقات.
۱۸. نهج البلاغه، (مجموعه خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار امام علی بن ابیطالب ع). (۱۳۷۸)، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۹. هال، ا.د. وفاگن، آر. ای. (۱۳۷۵)، نگرش اجمالی بر انواع سیستم‌ها، مترجم داود سلیمانی. تهران: انتشارات بازگانی.

